

## طبرسی؛ اسوه و الگوی مفسران

### حسن حکیم باشی

ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی ملقب به امین الاسلام، مفسر، محدث، فقیه، متکلم، ادیب، لغوی و ریاضی دان و از عالمان بنام شیعی در قرن ششم هجری است. تفسیر مجمع البیان او از بهترین تفاسیری است که بر قرآن نگاشته شده و از افتخارات میراث مکتوب اسلامی و شیعی به شمار می آید.

ولادت طبرسی در سال ۴۶۸ یا ۴۶۹ هجری قمری گویا در مشهد بوده و درگذشت او بنابر مشهور در سال ۵۴۸ در سبزوار که حدود ۲۵ سال آخر عمر را در آنجا گذرانیده اتفاق افتاده است. پس از وفات، پیکر او به مشهد انتقال یافت و در محلی نزدیک حرم رضوی که آن زمان به نام قتلگاه شناخته می شد به خاک سپرده شد. هم اکنون خیابانی از حرم مطهر رضوی به سمت شمال امتداد یافته که از کنار مرقد او می گذرد و به نام او خوانده می شود.

فرزند او ابونصر حسن بن فضل بن حسن طبرسی، صاحب کتاب «مکارم الأخلاق» است و فرزند او نیز ابوالفضل علی بن حسن بن فضل

طبرسی، صاحب «نثر اللئالی» و نیز «مشکوٰۃ الانوار» است که در تکمیل کتاب مکارم الاخلاق نگاشته شده است. ابومنصور احمد بن علی بن علی بن ابی طالب نیز به نام طبرسی شهرت یافته که کتاب «الاحتجاج» بدو نسبت داده می شود و با صاحب مجمع البیان نسبتی ندارد.

در آوانگاری شهرت طبرسی اختلاف شده است، برخی او را طَبْرِسی خوانده اند، به دعوی آن که نسبت به طبرستان می برد. میرزا عبدالله افندی در ریاض العلماء و محمدباقر خوانساری در روضات الجنات بر این اصرار دارند. بسیاری نیز گفته اند نسبت به طبرستان، طبری یا طبرانی یا طبرستانی خواهد بود؛ و نه طبرسی، بلکه نام دقیق مؤلف مجمع البیان، طَبْرِسی است که عربی گردانیده تَفْرِشی است و تفرشی منسوب به شهری در نزدیکی قم و اراک است که شیخ ما بدانجا انتساب دارد.\*

بدین صورت نیز طَبْرِسی و طَبْرِسی هر دو خوانده شده و در منابع گوناگون به هر دو شکل ضبط شده است. شاید دلیل گزینه اول آن باشد که در تعریف واژه های عجمی افزون بر تبدیل برخی حروف، حرکات نیز گاه تغییر می یابند و همسان سازی با قالبهای شناخته شده صرفی انجام می شود و از آنجا که وزن فَعْلِل در زبان عرب نیست و حرکت فتحه نیز در تلفظ سبک تر و آسان تر است باید طَبْرِسی خواند؛ اما آنان که طَبْرِسی می خوانند وزن اصل را که تفرش با کسر راء است پاس می دارند. در این زمینه با آن که به تفصیل نگاشته اند، اما هنوز ابهاماتی به نظر می رسد؛ از آن جمله:

- از کجا و چه هنگام و چرا شیخ به طَبْرِسی شهرت یافت.

- نظر به اینکه شیخ همه عمر خویش را در سرزمین های فارسی زبان خراسان و شاید مدتی در ری گذرانده چرا به همان نام تفرشی مشهور نگشته و از چه رو شهرت او دستخوش تعریب گردیده است.

پاسخ این دو پرسش را در آنچه تا کنون نگاشته اند نمی بینیم.

## تالیفات طبرسی در تفسیر

طبرسی چنان که معروف است سه کتاب در زمینه تفسیر نگاشته که نخستین آنها «مجمع البیان لعلوم القرآن» - چنان که خود در مقدمه آورده - یا «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» است؛ - چنان که مترجمان و فهرست نویسان نگاشته اند - این کتاب در سالهای ۵۳۰ تا ۵۳۴ یا ۵۳۶ تدوین شده و طبرسی از آن با نام تفسیر کبیر یاد می کند.

نیز از آنجا که طبرسی در هنگام نگارش مجمع البیان، به کشف زمخشری دست نیافته بود، پس از دست یابی به کشف، تفسیری به نام «الکافی الشافی» تحریر کرد که در نظم و سبک، به سان کشف بود و در مطالب نیز از آن بهره فراوان برده بود. چنان که گویی گزیده کشف بود. سپس در سالهای واپسین عمر به پیشنهاد و اصرار فرزندش حسن بن فضل، صاحب مکارم الأخلاق، تفسیر جوامع الجامع را که تلخیصی از مجمع البیان همراه با افزوده هایی برگرفته از کشف بود تألیف کرد. این کتاب را شیخ طبرسی در سال ۵۴۲ و در مدت یک سال به تحریر درآورد. به نظر می رسد تفسیر دیگری از سوی او تألیف نشده است و آنچه برخی اظهار داشته اند که یک یا دو تفسیر دیگر نیز نگاشته مستندی نداشته است. چنان که سه تفسیر یادشده در اصطلاح، کبیر و وسیط و وجیز خوانده می شوند، که هر چند «الکافی الشافی» در دست نیست، اما گویا تفسیر میانی مرحوم طبرسی جوامع الجامع است و الکافی الشافی تفسیر وجیز او بوده است. در میان عالمان شیعی برخی دیگر نیز از جمله فیض کاشانی و سید عبدالله شبر دست به نگارش سه تفسیر با سه سبک و در قالبهای کبیر، وسیط و وجیز زده اند.

آنچه در این میان نقطه تاریک به شمار می آید سرنوشت نامعلوم «الکافی الشافی» است که اثری از آن در دست نیست، با آن که شیخ طبرسی خود در مقدمه جوامع نوشته است:

«پس از آن که کتاب تفسیر بزرگ خود مجمع البیان را نگاشتم، به کشف دست یافتم و با بهره جویی از آن... الکافی الشافی را به تحریر درآوردم. این دو کتاب که نشر یافتند، عنان از دلها ربودند... و شعله آنها هویدا شد... پس به

سان ضرب المثل ها در شهرها رواج یافتند، و چونان خیال به هر جا راه یافتند...»  
این سخنان، توصیف وضعیتهای سالهایی است که میانه تألیف مجمع البیان و الکافی الشافی و نگارش جوامع الجامع فاصله شده بود. اکنون با این توصیفات، چگونه نسخه ای و اثری از الکافی الشافی در دست نیست. این پرسشی است که پیگیری و کاوش نسخه شناسان و اثر پژوهان را می طلبد.

## استادان و شاگردان طبرسی

دورنمای روشنی از مکان و زمان تحصیلات نخستین شیخ در منابع موجود به دست نمی آید، اما استادان معروف وی را در فقه و روایت و تفسیر چنین بر شمرده اند:

۱. ابوعلی حسن بن محمد بن حسن طوسی فرزند شیخ طوسی و معروف به مفید ثانی.
۲. ابوالوفاء عبدالجبار بن عبدالله علی مقرئ نیشابوری.
۳. حسن بن حسین ابن بابویه قمی رازی (جدّ شیخ منتجب الدین).
۴. موفق الدین حسین بن فتح واعظ بکرآبادی جرجانی.
۵. سید محمد بن حسین حسینی جرجانی.

۶. شیخ ابوالفتح عبدالله بن عبدالکریم بن هوازن قشیری.
  ۷. شیخ ابوالحسن عبدالله بن محمد بن حسین بیهقی.
  ۸. جعفر بن محمد دوریستی.
- از شاگردان او نیز افراد زیر را می توان نام برد:
۱. فرزندش حسن بن فضل.
  ۲. رشیدالدین ابوجعفر محمد بن علی بن شهرآشوب سروی مازندرانی.
  ۳. شیخ منتجب الدین علی بن عبیدالله ابن بابویه قمی.
  ۴. ضیاء الدین فضل الله بن علی راوندی کاشانی.
  ۵. قطب الدین سعید بن هبة الله راوندی، معروف به قطب راوندی.

### تألیفات طبرسی

به جز سه تفسیر یادشده، «المؤتلف من المختلف بین ائمه السلف»<sup>۲</sup> در فقه، و «إعلام الوری بأعلام الهدی»<sup>۳</sup> در سیره اهل بیت(ع) از او در دست است. نیز بیش از ده اثر دیگر را برای او ذکر کرده اند که برخی از آنها موجود است و برخی تنها نام آنها را در کتب تراجم می توان دید.

عصر طبرسی را باید دوران شکوفایی تفسیر نامید، چرا که هم زمان با او «کشف الاسرار» میبیدی، «کشاف» زمخشری، «روض الجنان» ابوالفتوح رازی و تفاسیر دیگری نیز نگارش یافته اند. چنان که دوران او را باید دوره گذار از مرحله تفسیرنویسی تک بعدی به دوره تفسیر نوین دانست و سرآغاز عصر تدوین تفسیر به شیوه نوین به حساب آورد. در دوره ای که تبیان شیخ طوسی سرآغاز آن بود تفاسیر ارزشمندی نگاشته شد که به ابعاد گوناگون ادبی، لغوی، تاریخی، فقهی، کلامی، عرفانی و... پرداختند و مجمع البیان در این میان جایگاه ممتازی داشته است. بنابراین تفسیر مجمع البیان طبرسی را باید در رده تفاسیر جامع جای داد که به جنبه خاصی محدود نمی شوند؛ هر چند رنگ و بوی ادبی آن بیشتر مشهود است.

مرحوم طبرسی شیوه نگارش این تفسیر و ترتیب و تنظیم مطالب آن را با محورهای زیر انجام داده است:

۱. اشاره به مکی و مدنی بودن سوره و آیات و موارد اختلاف آن.
۲. بیان تعداد آیات سوره و ذکر اقوال در این زمینه.
۳. وجه نامگذاری سوره ها و مناسبت نامها با محتوای سوره.
۴. ذکر فضایل تلاوت سوره و احادیث مربوط به آن.
۵. بیان اختلاف قراءت با عنوان «القراءة».
۶. تشریح وجوه قراءات و دلیل اعراب واژه ها، با عنوان «الاعراب».
۷. یادکرد معنای لغات مشکله آیات، با عنوان «اللغة».
۸. بیان علل و اسباب نزول آیات با عنوان «النزول».
۹. تفسیرها و تأویلهای آیه با عنوان «المعنی».
۱۰. بیان مناسبت و ارتباط آیه با آیات قبل و بعد با عنوان «النظم».
۱۱. بیان قصص با عنوان «القصة».

روش تفسیری علامه طبرسی

ویژگیهای چندی را در روش تفسیری علامه طبرسی بویژه در مجمع البیان می توان جست و جو کرد که برخی از آنها از این قرارند:

یک. نظم بدیع

از ویژگیهای مجمع البیان، نظم بدیع و اسلوب سامان مند است که تفسیر او را در میان همه تفاسیر نمودار ساخته و تحسین همگان را در طول قرن‌ها برانگیخته است. او در واقع تفسیر تبیان را که به تعبیر خود او دارای غث و سمین و فاقد نظم و ترتیب بوده به زیباترین شکلی نظام بخشید و افزون بر آن تحلیلها و فوایدی نیز بر آن افزود. نیز آن را از برخی مطالب نابایسته پیراست.

طبرسی هر چند در دستاوردهای تفسیری خود نوآوری و پیشاهنگی نداشته و بیشتر به روایتگری و حکایتگری پرداخته و چنان که خود در پیشگفتار مجمع می نویسد جا برجای پای دیگرانی چون شیخ الطایفه نهاده و او را قدوه خویش می خواند، اما بی تردید آغازگر حرکت تفسیری نوین و پایه گذار تدوین تفسیر سامان مند بوده است، چرا که پیش از او دغدغه اصلی تفسیرنگاران، شرح ویژگیهای لفظی و ادبی و لغوی و یا نقل روایتهای پیرامونی بوده است. او در روایتگری صادق و امین، و در ارزیابی تیزبین و نقاد، و در خوانش متن همه سو نگر بوده، در نقد دیگران جانب انصاف و اعتدال را پاس می داشت. در گزینش و چینش گفته ها و نوشته های مفسران تافته ای نیکو بافته که پیش از او و پس از او مانند آن را نیاورده اند.

در کنار این همه امّا، هرگز مقلّد و پیرو نبوده بلکه خود به عیارسنجی انگاره های کلامی، فقهی، معرفتی، ادبی و تاریخی و نقطه نظرات پیشینیان پرداخته است.

دو. متن محوری

قرآن محوری ویژگی دیگر تفسیر طبرسی است. شیخ محمود شلتوت در این زمینه می نویسد: «این کتاب نخستین، و درعین حال کامل ترین کتاب تفسیر جامع است که افزون بر پژوهش گسترده و ژرف و پی جویی پیوسته و شگرف، با نظمی بی مانند، همراه با فصل بندی و چینش زیبا و پاسداشت بر تفسیر نگاشته شده است.

فنّ تفسیر را در خدمت قرآن می گیرد، نه آن که قرآن را در خدمت لغویان یا فقیهان درآورد، یا قرآن را بر نحو سیبویه و بلاغت عبدالقاهر و فلسفه یونان و روم تطبیق کند. یا قرآن را محکوم به پذیرش باورها و گرایشهای طایفه هایی قرار دهد که خود باید محکوم به حکم قرآن باشند.»

سه. ادب پژوهش

ویژگی دیگر او اعتدال در نگرش مذهبی است. با آن که در عصری می زیسته که عالمان فرقه های مختلف تنها به باورهای خود اعتنا داشتند و از نقل سخن مخالف خود پروا می کردند، اما او از این کار پروایی نداشت. در نقل اقوال، تعصّبی نشان نمی دهد و همه اصناف را به یک دیده می نگرد. آنچه را پذیرفتنی می داند از هر که باشد می آورد؛ چندان که بر او خرده گرفته اند که بیشتر از مفسران عامّه نقل می کند و حتی در تقدیم و تأخیر نام صاحبان دیدگاه ها غرض ورزی روا نمی دارد.

بر خلاف بسیاری از مؤلفان، از طعن و اعتراض و تحقیر نسبت به مخالفان خود پرهیز دارد، چندان که در آغاز تفسیر جوامع از زمخشری که حنفی و معتزلی است به نیکی و بزرگی یاد می کند و با دریدن حجاب معاصرت، اثر او را می ستاید.

این راه و روش او برای همه پژوهشگران پیمودنی و ستودنی است، و سیره سلف صالح نیز چنین بوده است. شیخ مفید و سید رضی و مرتضی و شیخ طوسی را در این راستا می توان نام برد که در میان اهل سنت نیز مقبول و محترم بوده و کرسی درس و افتاء داشته اند.

به تعبیر شیخ محمدتقی قمی استاد فقید الأزهر، «او در تفسیر خود بر موضع انصاف ایستاده، از جاده ادب قرآنی کناره نجسته، در جدل درشتی نمی کند، و در سخن بی خردی نمی ورزد. با مخالف و موافق، نیکو و مستدل و مستند سخن می گوید، و بدین سان خواننده را امکان داوری درست می بخشد، و کتاب خویش را الگو و نمونه آیه «و جادلهم بالتی هی أحسن» قرار می دهد.»  
چهار. همه نگری

ویژگی دیگر تفسیر او نگاه همه نگر به قرآن است. او با تسلط فراوان بر آیات قرآن، برای تفسیر یک آیه از آیه های دیگر سود می جوید و بدین سان جلوه های سبک پسندیده تفسیر قرآن به قرآن را به نمایش می گذارد.

پنج. جامعیت در علوم

شیخ طبرسی نمونه عالمان متقدم شیعی است که در زمینه های گوناگون علوم اسلامی صاحب نظر بوده و به تألیف در فنون مختلف همت گمارده اند. نیز مجمع البیان وی دایرة المعارفی از دانشهای مختلف قرآنی است. سوگمندانه در سده های پس از وی علوم قرآنی در میان عالمان شیعی مورد غفلت واقع شده و کمتر در آن زمینه صاحب نظر بوده اند و به تصنیف پرداخته اند. به گونه ای که منابع مهم و اصلی علوم قرآنی به طور عمده از سوی عالمان اهل سنت و گاه با گرایشهای مذهبی خاص تدوین یافته است، و تألیف درخور توجهی در این زمینه پس از مجمع البیان در میان عالمان شیعه دیده نمی شود؛ جز در چند دهه اخیر که خوشبختانه رویکرد دوباره به دانشهای پیرامونی قرآن چونان تاریخ قرآن و دیگر علوم قرآنی رواج یافته و کتب ارزشمندی از سوی عالمان شیعی تألیف شده است.  
شش. ماندگار با جاری اعصار

بی گمان سیر حرکت در بستر جاری تفسیر و ره پویه در صراط

مستقیم فهم کلام حق هرگز ایستایی نخواهد داشت، قرآن برای هدایت انسانها، با هر مبلغ و میزان از علم و دانش و معرفت که داشته باشند فرود آمده است. قرآن هم نوا با سیر شب و روز، و همسفر با عصرها و نسلها جریان دارد. همواره فهمهای نو بر نو را برمی تابد و در امتداد زمان نورافشانی می کند. کهنگی نمی پذیرد و پایان ندارد. در این رهگذر تفسیرهای نگاشته شده دو گونه اند؛ برخی دریافته و دستاوردهای زمان خود را که محصور در رهیافت های تاریخ مند و زمان مند بشری محدود هستند ارائه می کنند. این گونه تفسیرها هرگز در تاریخ مستمر هدایتگری قرآن همپای آن ماندگاری نخواهند داشت، و تاریخ اعتباری انقضای پذیر دارند و در گذر پیشرفت کاروان علم و معرفت ناگزیر از چرخه بیرون خواهند افتاد. اما تفاسیری چونان مجمع البیان به دلیل آن که شیوه ها و متدها و اصول

و قواعد ثابت تفسیر را در بر دارند چونان خود قرآن و همپای آن ارزشی ماندگار و پایدار خواهند داشت.

هفت. معیار تفسیر، و تفسیر معیار

به تعبیر و تقریری دیگر، سیر مدام تدبر و فهم کلام الهی وظیفه ای است که روند رو به رشد داشته و همواره به پیش می تازد، اما این فهم و برداشت، ناگزیر باید بر اساس متدها و پایه هایی باشد که در جای خود تعیین و تبیین شده اند، و سرپیچی از آن معیارها تفسیر به رأی خواهد بود. اینک معیار و مبنای تفسیر درست و منطبق بر موازین را در متنی همانند مجمع البیان با بهترین جلوه و نمود می توان جست و جو کرد، که اگر تفسیرگران بر اساس این اصول تبیین شده به کار تدبر و فهم و برداشت از قرآن بپردازند، مأذون و مجاز و مأجور و مثاب خواهند بود، وگرنه در هر پویه خویش بیم تفسیر به رأی خواهند داشت و هشدار سرانجامی آتشین.

می توان گفت مجمع البیان تفسیر معیار و معیار تفسیر است که اصول و قواعد ثابت تفسیر را گردآورده و نقطه آغاز دریافت مراد الهی از آیات شده و با پردازشگری «عبارات» به منظور گذر به سرمنزل «اشارات» و زمینه سازی برای دریافت «لطائف» و «حقایق» رهنمون است.

هشت. متن درسی

مجمع البیان طبرسی را به عنوان بهترین متن آموختنی در رشته تفسیر می توان شناساند که در این ویژگی در خور سنجش با هیچ متن دیگری نیست. گویی نویسنده آن را برای تدریس در حوزه های کنونی تفسیر نگاشته است.

در پایان باید یادآور شد که سوگمندان مجمع البیان، این میراث گرانقدر اسلامی، پس از گذشت بیش از یک قرن از صنعت چاپ، هنوز چاپی در خور ارج و منزلت آن نداشته است و آنچه تاکنون ارائه شده کم و بیش دارای خطاهای فاحش و تغییر دهنده بوده، با معیارهای تحقیق و تصحیح امروزی سازگار نیست. برخی از مراکز نیز سالها پیش تصمیم بر تحقیق و انتشار آن را اعلام کرده اند که هنوز این دعوی تحقیق نیافته است. باری به دست آوردن نسخه های کهن معتبر و تحقیق آن همراه با استخراج اقوال و ارجاع روایات و تهیه فهرست های فنی گوناگون، کاری بایسته است. ضمن آن که این کار به دلیل دشواری و ویژگیهای متن مجمع البیان بی تردید کاری سخت و طاقت سوز است.

\* درباره آوانگاری شهرت طبرسی برخی به تفصیل سخن گفته اند. مقدمه آیت الله شهید قاضی طباطبایی بر جوامع الجامع چاپ رحلی، مقدمه میرزا محمدباقر مازندرانی بر شرح شواهد مجمع البیان تألیف میرزا طاهر قزوینی، کتاب طبرسی و مجمع البیان نوشته دکتر حسین کریمان، و مقدمه دکتر ابوالقاسم گرچی بر جوامع الجامع چاپ دانشگاه تهران را در این زمینه بنگرید.